

کارکرد نهادهای سیاسی - مدنی و نقش آن در توسعه سیاسی کشور

بهروز آقامحمدی^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

میرابراهیم صدیق - استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

رضا شیرزادی - استادیار علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲

چکیده

نوسازی و توسعه سیاسی ناظر بر اهدافی است که تحقق آن می‌تواند به کاهش شکاف میان نهادهای سیاسی با سایر نهادها در اقتصاد و جامعه منجر شود و از این طریق راه ترقی، پیشرفت و رفاه همگانی هموار خواهد شد. توسعه سیاسی بر کارآمدی نظام سیاسی دلالت دارد. نظام سیاسی که ظرفیت و توانایی حل و فصل اختلافات و تضادهای فردی و اجتماعی، پذیرش مشارکتهای سیاسی شهروندان، آزادی و تغییرات بنیادین در یک جامعه را داشته، به توسعه سیاسی رسیده است. از طرفی می‌توان توسعه سیاسی را با رشد و شکوفایی دموکراسی مترادف دانست. هدف تحقیق بررسی تأثیر نهادهای سیاسی-مدنی بر توسعه سیاسی کشور، یعنی بررسی نسبت میان نهادهای سیاسی - مدنی و توسعه سیاسی با توجه به نظرات کارشناسان و متخصصانی هست که در راستای این تحقیق مورد پرسش قرار گرفته‌اند. روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و پیمایشی از طریق پرسش‌نامه نخبگی است. جامعه آماری این پژوهش صاحب‌نظران و اهل فن شامل کارمندان عالی‌رتبه، اساتید دانشگاه، دبیران و اعضای حزب‌های سیاسی و سمن‌ها هستند. سؤال اصلی این پژوهش آن است که نهادهای سیاسی - مدنی چه نقشی در توسعه سیاسی کشور دارند؟ این فرضیه مطرح است که برای دستیابی به توسعه سیاسی باید نهادهای سیاسی - مدنی به وجود بیایند یا تقویت شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که از نظر متخصصان و کارشناسان رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات و تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی بر توسعه سیاسی کشور بیشتر از سایر عوامل تأثیر دارند.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، احزاب سیاسی، تکثر سیاسی، رقابت و منازعه.

مقدمه

در جهان امروز، توسعه سیاسی به‌عنوان یکی از زیربنایی‌ترین مسائل جوامع در حال توسعه محسوب می‌شود؛ موضوعی که علاوه بر فعالیت‌های سیاسی این جوامع، همه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افزون بر این، تجربه برخی جوامع نشان داده که ثبات و پایداری نظام‌های سیاسی چه در عرصه ملی و چه در عرصه جهانی درگرو تحقق و تحکیم توسعه سیاسی است. از این رو آشکار می‌شود که اهمیت توسعه سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه به‌گونه‌ای است که بحث درباره چگونگی تحقق و یا موانع شکل‌گیری آن به یکی از مهم‌ترین مباحث نظری و مطالعات تجربی تبدیل شده و اندیشمندان و دانش‌پژوهان حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی و سیاسی را به این عرصه کشانده است.

تاریخ پیدایش نخستین گروه‌های سیاسی سازمان‌یافته در ایران که منشأ شکل‌گیری احزاب در ایران شده‌اند نیز نشانه پیشرو بودن ایران در ایجاد نهادهای سیاسی جدید، در یک کشور مستقل در جهان اسلام و آسیا است. تاریخ احزاب ایران، تقریباً عمری به درازای تاریخ شکل‌گیری نظام مشروطه در ایران دارد اما تاریخ شکل‌گیری نهادهای سیاسی در ایران، به سال‌های پیش از آن بازمی‌گردد. شکل‌گیری نخستین انجمن‌های مخفی سیاسی را به دوران آخر حکمرانی مظفرالدین‌شاه و به‌طور مشخص به تشکیل جلسات انجمن مخفی در سال ۱۳۲۲ هجری قمری نسبت می‌دهند (کرمانی، ۱۳۷۱: ۲۳۰). ولی این فعالیت‌ها پیشینه‌ای در اواخر دوره حکومت ناصرالدین‌شاه هم داشته و اولین انجمن‌های مخفی در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه شکل گرفته است. در این دوره، میرزا ملکم‌خان تشکیلات فراموش‌خانه را تأسیس کرد و تا سال ۱۲۷۰ هجری قمری (اکتبر ۱۸۶۱ میلادی) که به دلیل حساسیت دربار و نگرانی روحانیون تعطیل شد (لمپتون، ۱۳۷۵: ۳۹۳). فعالیت نیمه علنی خود را دنبال کرد و پس از آن نیز به‌صورت مخفی فعالیت کرد. گفته می‌شود که سید جمال‌الدین اسدآبادی مبارز بانفوذی که عقایدش تأثیر عمیقی بر رهبران مشروطیت داشت در دوره واقعه رژی پیش از اخراج از ایران در سال ۱۲۷۰ شمسی (۱۸۹۱ میلادی) موفق شده بود که یک انجمن مخفی تشکیل دهد (اتحادیه، ۱۳۸۱: ۱۱۹). واکنش حکومت در آن دوره در برابر وجود چنین اجتماعاتی بسیار تند بوده است. امروز در ایران، صدسال پس از انقلاب مشروطه ایران یعنی اولین تحول دموکراسی خواهی در سرزمینی از جهان اسلام، بیش‌تازترین جنبش دولت‌انتخابی در آسیا و دومین نهضت مشروطه‌خواهی در آسیا و پس از یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های اجتماعی جهان در سال ۱۳۵۷، همچنان در مورد میزان استحکام دموکراسی در ایران دغدغه وجود دارد. اگر صدسال پیش شرایط ایران فقط با ژاپن قابل مقایسه بود و با اغماض نسبت به موقعیت کاملاً متفاوت مستعمراتی هند و مصر و شرایط در حال فروپاشی عثمانی، شباهت‌هایی با این کشورها هم وجود داشت، امروز ایران نه‌تنها در زمینه‌های اقتصادی و توسعه همه‌جانبه، از غالب این کشورها و کشورهای بی‌نام‌ونشان آن دوره مانند استرالیا، نیوزیلند، کره جنوبی، سنگاپور، و کشورهای اسلامی جدیدی چون مالزی و اندونزی عقب‌مانده است، بلکه همچنین در مورد استحکام و قوام و سامان دموکراسی در ایران در مقایسه با غالب این کشورها تردیدهای جدی از سوی برخی از اندیشمندان سیاسی وجود دارد.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل این دغدغه و نگرانی، فقدان نهادهای قدرتمند مدنی و سیاسی در جامعه، نابسامانی و ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، آسیب‌پذیری آن‌ها از عوامل مختلف و عدم دوام و ثبات آنان است. این مقاله به بررسی کارکرد نهادهای سیاسی - مدنی و نقش آن در توسعه سیاسی کشور از دو روش کتابخانه‌ای و پیمایشی می‌پردازد. در قسمت پیمایشی این مقاله با توجه به نظرات کارشناسان و متخصصان موضوع مذکور بررسی شده است.

مبانی نظری

روند توسعه سیاسی در ایران افت‌وخیزهای خاصی داشته است که تاریخ توسعه سیاسی در کشورمان را با دیگر جوامع

به‌ویژه جوامع غربی متفاوت می‌کند. با پیروزی انقلاب مشروطه بر حکومت مطلقه شاهی در سال ۱۲۸۵، برخی از مؤلفه‌های توسعه سیاسی از جمله مشارکت سیاسی در قالب ایجاد نظام پارلمانی بروز و ظهور یافت که تصویب قانون اساسی و متمم آن نتیجه چنین مشارکت سیاسی بود؛ رخدادی که خود قدمی در مسیر توسعه سیاسی به شمار می‌رفت. این دوره نخستین دوره از توسعه سیاسی در ایران به شمار می‌رود.

این دوره اگرچه با آغاز سلطنت رضاشاه در ۱۳۰۴ به پایان رسید، اما سرآغاز روند توسعه سیاسی در ایران است، زیرا نخست‌وزیر یا همان رئیس‌الوزرا به‌جای پادشاه امور اجرایی را در اختیار می‌گرفت و پادشاه صرفاً سلطنت داشت. مجلس نیز که خواست‌های مردم را نمایندگی می‌کرد، عملکرد به نسبت مستقل و مقتدرانه‌ای داشت. مسئولیت و پاسخگویی نخست‌وزیر در مقابل مجلس شورای ملی نیز یکی از محدودیت‌هایی بود که بر سر راه استبدادطلبی و خودکامگی قرار داشت. اما رضاشاه مسیر توسعه سیاسی حاصل‌شده به‌موجب انقلاب مشروطه را به سمت اقتدارگرایی منحرف کرد و مؤلفه‌های توسعه سیاسی را حذف و تهی از معنا کرد. پس از اشغال ایران به دست انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضاشاه و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، اختناق و سرکوب گذشته تا حدی تعدیل و فرصتی دوباره فراهم شد تا نگاه آزادیخواهان به عرصه سیاسی معطوف گردد. اگرچه اندیشمندان سیاسی ایران از جمله «همایون کاتوزیان» ده سال نخست این دوره را بی‌نظم و ترتیب می‌خوانند اما در این دوره قدرت مجلس تا اندازه‌ای به قدرت دربار می‌چربید. از این رو در این دوره شاهد برخی نشانه‌های توسعه سیاسی بودیم.

دوره سوم روند توسعه سیاسی مربوط به دهه ۱۳۳۰ است. در این دوره که از اواخر دهه ۱۳۳۰ آغاز شد و در مقطعی کوتاه اوایل دهه ۱۳۴۰ پایان یافت، انجام اصلاحات اقتصادی - سیاسی در ایران در دستور کار قرار گرفت. این دوره هم‌زمان بود با روی کار آمدن دولت «جان افکندی» در آمریکا و استراتژی دولت او برای در امان ماندن کشورهای جهان سوم و وابسته به آمریکا از انقلاب‌های کمونیستی؛ استراتژی که معطوف به برخی اصلاحات و آزادی‌های مدنی قابل کنترل بود تا در کشورهای جهان سوم زمینه‌ای برای انقلاب‌های کمونیستی ایجاد نشود.

در نتیجه این دیدگاه، فضای سیاسی و اجتماعی ایران تا حدی گشوده شد اما با وجود مبارزات پراکنده و مستقل آزادیخواهان و گروه‌های سیاسی وابسته به آنان، این فضا در واپسین سال‌های حکومت پهلوی به شدت سرکوب شد. نگاهی به روند توسعه سیاسی و اجتماعی در دوران پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، برخلاف آنکه برخی گفتمان‌های رسمی پس از انقلاب پیشرفت‌هایی را در خصوص شاخص‌های توسعه نسبت به حکومت پهلوی به ثبت رسانده‌اند، هنوز نمی‌توان این ایده را تأیید کرد که نظام جمهوری اسلامی از منظر توسعه سیاسی به مدل حکمرانی خوب نزدیک شده است، چراکه در خصوص وضعیت برخی از شاخص‌های مهم توسعه و مدل حکمرانی خوب در ایران در مقایسه با متوسط جهانی آن‌ها، کشور ایران نتوانسته رتبه‌های خوبی را به دست آورد (بشیریه، ۱۳۸۱: ۴۵).

توسعه سیاسی

مفهوم توسعه سیاسی از زمان پیدایش اولین دیدگاه‌ها در مورد آن از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا به امروز به‌صورت مختلف تعریف شده است. هر یک از مفاهیم ارائه‌شده در مقاطع زمانی با تأکید بر یک سری از ویژگی‌ها و ابعاد بوده که متأثر از شرایط اجتماعی - سیاسی جهان و تغییرات به وجود آمده است. توسعه سیاسی مفهومی پرمجاده در عرصه نظری و شاید دور از دسترس عمل اجتماعی است. پشت سر گذاردن دروازه‌های توسعه سیاسی و برپایی جامعه توسعه‌یافته سیاسی در هر کشوری، مستلزم عبور دشوار و گاهی پرمخاطره از یک دوران گذار سیاسی است که اگر بیش‌ازحد طولانی شود، احتمال بازگشت به عقب افزون‌تر می‌شود. دستیابی به توسعه سیاسی یعنی فرایندی که در جریان آن نظام‌های ساده اقتدارگرایی سیاسی جای خود را به نظام‌های حق رأی همگانی، احزاب سیاسی و بروکراسی‌های مدنی می‌دهند، نیازمند

آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک سو و پذیرش اراده حاکمان از سوی دیگر است. توسعه، نوسازی، تحول تاریخی، ترقی، پیشرفت و تکامل و... که بر یک دال دلالت می‌کنند، یعنی دگرگونی در جهت بهینه شدن دائمی وضع موجود (مقدم، ۱۳۹۶: ۹۶).

توسعه سیاسی علاوه بر دموکراتیک شدن حکومت و روابط سیاسی شامل معیارها و ملاک‌هایی چون کارآمدی حکومت و نخبگان سیاسی، توانمندی تشکل‌های سیاسی، تعادل فرهنگ و گفتارهای سیاسی و سرانجام توانمندی شهروندان برای مشارکت هماهنگ و هم‌افزا در سامان‌دهی امور است (دلوری، ۱۳۹۴: ۴۰۱).

در فرآیند توسعه سیاسی، با توجه به رابطه دولت و جامعه و عرصه برای کنش آن دو، می‌توان دو الگوی کلی را استخراج کرد:

الگوی اول که می‌توان آن را «دولت‌محور» نامید، ظرفیت حکومت، به‌ویژه دستگاه‌های نظامی و اداری آن افزایش یافته، اما عرصه اجتماعی سیاست و روابط میان دولت و جامعه توسعه چندانی نیافته است. در این الگو، ثبات و امنیت در معرض فشارهای ناشی از تعارضات و منازعات آشکار و پنهانی بوده که ریشه سیاسی معمولاً در انسداد روابط سیاسی و شکاف میان دولت و جامعه داشته است. این الگو را بیشتر می‌توان در آغاز تشکیل دولت مدرن دید.

الگوی دوم که می‌توان آن را «جامعه‌محور» نامید، به‌موازات توسعه سازمان و نظام اداری تسهیل دهنده، نیروها و نهادهای اجتماعی توسعه یافته‌اند و روابط دولت و جامعه از تعادل برخوردار شده است (دبیری مهر، ۱۳۹۳: ۲۹۱). توسعه سیاسی جامعه‌محور در جهت جهانی شدن و به‌واسطه شبکه‌ای شدن زندگی سیاسی متأثر از روند فزاینده ارتباطات و اطلاعات و به‌عبارت‌دیگر، نزدیک شدن زمان‌ها و مکان‌ها به یکدیگر موجب تمرکززدایی از تجزیه عناصر شهروندی و تغییر رابطه قدرت شده است (فرازمند، ۲۰۱۵: ۱۱-۷) در این مرحله، توسعه سیاسی یک پدیده اجتماعی چندبعدی و پیچیده است و بجای حکومت با حکمرانی سروکار داریم.

توسعه سیاسی به‌عنوان یک روش در هر جامعه‌ای وجود دارد که این مهم به‌طور معمول با مشخصه‌هایی همراه می‌شود که برخی از مهم‌ترین آن در محورهای زیر قابل بررسی است:

۱- جابجایی مسالمت‌آمیز قدرت از راه انتخابات؛

۲- کوشش در جهت جلب رضایت مردم؛

۳- پاسخگو کردن قدرت سیاسی و نقدپذیری مسئولان؛

۴- برپایی حکومت قانون از طریق مجلس قانون‌گذاری؛

۵- فردیت و آزادی افراد و تکریم حقوق فرد؛

۶- وجود احزاب، آزادی مطبوعات، انتخابات؛

۷- حضور نخبگان سیاسی در صحنه تحولات کشور (مقدم، ۱۳۹۶: ۹۶).

احزاب سیاسی

احزاب سیاسی عبارت است از هر گروهی که عضویت در آن آزاد یا باز بوده و به‌طور بالقوه‌ای با کل گستره امور مبتلابه جامعه در ارتباط است (نوذری ۱۳۸۱: ۸۶). این تعریف ساده از حزب بر جنبه کارکردی و سازمان حزب نیز دلالت می‌کند. یک حزب مادر مفهوم عام‌گردهمایی مردمی است که درباره برخی مسائل نظرات مشترک و ... می‌خواهند برای دست یافتن به هدف‌های مشترک باهم کار کنند.

اندیشمندان علوم سیاسی به فراخور زمان و مکان اندیشه‌ای خود از حزب تعارف‌گوناگونی ارائه داده‌اند از جمله ادومند برک حزب را هیئتی از مردم می‌داند که برای پیشبرد منافع ملی با کوشش مشترک بر اساس برخی اصول سیاسی

مورد توافق، متحد شده‌اند. آیور حزب سیاسی را «گردهمایی سازمان‌یافته برای حمایت از برخی اصول یا سیاست‌ها که از راه‌های قانونی می‌کوشد حکومت را به دست گیرد» تعریف می‌کند. ماکس وبر احزاب را گروهی باز توصیف می‌کند که عضویت در آن آزاد است (عالم، ۱۳۷۳، ۲۳۳).

در کل چهار رویکرد عملی در تعریف حزب وجود دارد:

الف) رویکرد هنجاری:

در این تعریف احزاب بر اساس هنجارها، باورها، آرمان‌ها، اعتقادات و اولویت‌های شخصی تحلیل‌گر تعریف می‌شود مانند آنچه بر نقش احزاب در پیوند دولت و جامعه تأکید دارد.

ب) رویکرد توصیفی:

در این رویکرد عمدتاً برحسب فعالیت‌هایی که معمولاً به‌طور عملی و به‌گونه‌ای افعال درگیر آن‌ها هستند تعریف می‌شوند. از این منظر، حزب گروهی از افراد است که به‌منظور کسب قدرت سیاسی و تحقق آرمان‌ها و اهداف خویش مبارزه می‌کنند. و دارای چهار مؤلفه سازمان، ایدئولوژی، مشروعیت (قانونی بودن) و مبارزه برای قدرت می‌باشد (تبریزنیا، ۱۳۷۷، ۲۳).

ج) تعاریف ساختارگرایانه:

در این نوع تعاریف بر وجود سازمان و تشکیلات حزبی تأکید می‌شود.

د) تعاریف کارکردگرا:

این نوع تعاریف بر نقش و کارکرد احزاب تأکید دارند. نوع ارتباط احزاب با جامعه به‌ویژه با نظام سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد و روابط نرم یا خشن احزاب با نظام سیاسی در قالب انتخابات یا چالش‌های دیگر مدنظر قرار می‌گیرد. در تعاریف کلاسیک کارکردگرا انتخابات نقش اصلی را دارد درحالی‌که تعاریف جدید بر نقش‌های اعمال شده اما پیش‌بینی نشده نیز تأکید فراوان می‌شود.

یک تعریف جامع از حزب باید ساختار، کارکرد و اهداف کمی آن‌ها نشان دهد. بنابراین حزب سیاسی دارای تشکیلی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ۱- از نظر ساختاری دارای سازمانی مستمر و بادوام باشد که بتواند عمری طولانی‌تر از بنیان‌گذاران داشته و فراوان بر مرکز سیاسی کشور شعباتی نیز در سطح کل کشور داشته باشد؛
- ۲- از نظر کارکردی، درصد بسیج افراد برای دستیابی به مقام‌های دولتی باشد؛
- ۳- از نظر اهداف دارای برنامه‌ها و طرح‌هایی باشد که به نام آن‌ها خواهان بسیج رأی‌دهندگان بوده و قدرت‌طلبی فرد را نیز توجیه می‌نماید (ایوبی، ۴۵: ۱۳۷۹).

سیستم‌های حزبی

یکی از شاخص‌های مهم در تعیین نوع نظام سیاسی، نظام حزبی می‌باشد. چند نوع تقسیم‌بندی از سیستم‌های حزبی صورت گرفته که از آن جمله تقسیم‌بندی نظام حزبی به تک‌حزبی، دوحزبی و چندحزبی و نیز تقسیم‌بندی احزاب به سیستم‌های رقابتی و غیررقابتی شامل نظام‌های چندحزبی، دوحزبی، حزب مسلط می‌شود.

سیستم‌های چندحزبی نقش‌هایی را که برای احزاب در جامعه بیان کرده‌اند. ضعف عمده نظام چندحزبی به دست آوردن اکثریت نسبی و تشکیل حکومت‌های ائتلافی و در نتیجه بی‌ثباتی رژیم‌های سیاسی می‌باشد. با این حال با میدان دادن به نظرات مختلف برای انتخاب شدن و انتخاب کردن از بروز نارضایتی عمومی و تهدید نظام از طرف گروه‌های داخلی جلوگیری می‌کند. در نظام دوحزبی معمولاً یکی از احزاب با ائتلاف با یک حزب کوچک‌تر یا به‌تنهایی قدرت

تشکیل می‌دهد، در نتیجه ثبات سیاسی و یکپارچه کردن تقاضاها برای این نظام حزبی بیشتر مفروض است. سیستم حزب مسلط هم در واقع به نوعی نظامی چندحزبی است که یک حزب به علت‌های گوناگون از جمله مقبولیت ایدئولوژیک‌ها، متعلق به یک شاخصه اجتماعی از قبیل زبان، مذهب، دین و ... اکثریت آرا را به دست می‌آورد و احزاب دیگر در حاشیه آن حزب قرار می‌گیرند. هرچند در این نظام حزبی هم نوعی ثبات برای حکومت متصور است. اما به علت تداوم سلطه یک حزب از تحرک سیاسی کاسته می‌شود (نقیب‌زاده، ۵۶: ۱۳۷۸).

منازعه

منازعه یا کشمکش به معنای CONFLICT در زبان انگلیسی می‌باشد. منازعه را تعارض آشکار و یا عدم توافق آمیخته با خشونت تعریف کرده‌اند.

برخی از صاحب‌نظران، کشمکش را در معنای وسیع‌تری تعریف کرده‌اند و آن را به معنای عدم رویارویی، درگیری، رقابت (خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز) بین افراد و گروهی بر سر منابع و ارزش‌ها قلمداد کرده‌اند (دلوری ۱۳۹۴، ۸۳). منازعات به دودسته خارجی و داخلی تقسیم‌بندی می‌شوند، در سطوح خارجی منازعه به منازعات و رقابت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تقسیم می‌شوند و در سطح داخلی به چهار نوع کشمکش اشاره دارد:

۱- کشمکش میان حکومت و گروه‌های مخالف بیرون از حکومت؛

۲- کشمکش در درون هیئت حاکمه؛

۳- کشمکش میان گروه‌های مخالف؛

۴- کشمکش در درون گروه‌های مخالف (دلوری ۱۳۹۴، ۸۵).

صورت‌های مختلف رقابت سیاسی

منازعات و رقابت‌های سیاسی مانند بسیاری از مفاهیم در علوم سیاسی به‌ویژه در اندیشه‌های غربی دچار تحول مفهومی و مصداقی شده است. این تحول به پنج صورت قابل بیان است:

۱- گذار از منازعات خشن به منازعات مسالمت‌آمیز؛

۲- گذار منازعات گریز از مرکز به منازعات متمایل به مرکز؛

۳- گذار تحرک سیاسی جمعی و توده‌ای به پیکارهای نهادینه و قانونمند؛

۴- گذار از پیکارهای برون سیستمی به منازعات درون سیستمی؛

۵- گذار پیکارهای هویتی به رقابت‌های اجتماعی و اقتصادی.

پیش‌زمینه این تحولات، توسعه جوامع در ابعاد مختلف به‌ویژه توسعه سیاسی و تغییر شکل نظام‌های سیاسی به سمت دمکراتیزه شدن و نیز رشد آگاهی اجتماعی و تغییر خواست‌های جوامع می‌باشد. به‌طور کلی در این تحولات مهم دو عامل اساسی نقش داشته است: از یک سو در نظام‌های سیاسی با تبدیل آن‌ها از بسته (قطع ارتباط آن‌ها با محیط سیاسی) به باز (ایجاد ارتباط با محیط) تغییرات اساسی حاصل شده و از طرف دیگر نوع مطالبات اجتماعی از هویتی به اقتصادی و اجتماعی تغییر یافته که به‌نوبه خود حاصل مطالبات را از سرکوب و خشونت به گفتگو، رقابت مسالمت‌آمیز و پاسخگویی تغییر داده است (ایوبی، ۱۳۷۹: ۱۲۶).

تکثر سیاسی

تنوع و تعدد از جمله لوازم منطقی رقابت هستند که غالباً از آن به «پلورالیسم سیاسی در عرصه رقابت‌های سیاسی»

یاد می‌شود (افتخاری، ۱۳۸۱: ۸۰). در پلورالیسم سیاسی حداقل دو حزب و گروه اصلی (و چندین حزب و گروه فرعی) با دیدگاه‌ها و عقاید متفاوت و گاه متضاد برای به دست آوردن آراء انتخاباتی و کسب قدرت در مقابل یکدیگر صف‌آرایی می‌کنند. منطق و قانون قواعد این بازی تعیین کرده است.

نهادمندی

نهادمندی از اجزاء و زمینه‌های مهم رقابت‌های سیاسی مسالمت‌آمیز و درون سیستمی می‌باشد، هانتینگتون نهادمند شدن را فرا گردی می‌داند که سازمان‌ها و شیوه‌های عمل با آن ارزش و ثبات می‌یابند. وی سطح نهادمندی نظام سیاسی را در تطبیق‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام نهادها و شیوه‌های آن نظام می‌داند؛ یعنی هر چه یک نظام از: ۱- تطبیق‌پذیری بیشتر و با فراز و نشیب زیاد و بقای طولانی مدت برخوردار باشد. ۲- و هرچه یک سازمان پیچیده‌تر بوده و از سلسله‌مراتب و خرده واحدهای سازمانی برخوردار بوده و از استقلال سازمانی و رفتاری و یکپارچگی بهره‌مند باشد به طرف نهادمندی حرکت کرده است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۹).

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و در زمره پژوهش‌های کمی می‌باشد. شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای-اسنادی و پیمایشی است. در این پژوهش ۴۷۰ پرسشنامه الکترونیکی برای صاحب‌نظران و اهل فن شامل کارمندان عالی‌رتبه اساتید دانشگاه دبیران و اعضای حزب‌های سیاسی و سمن‌ها توزیع گردیده که بر اساس مدل مفهومی ۱۰۰ پرسشنامه‌ها انتخاب و تحلیل گردیده است.

بحث و یافته‌ها

چارچوب اساسی این مقاله بر پایه نظریات کارشناسان و متخصصان است و کارشناسان مطابق با پرسشنامه توزیعی عوامل موثر بر توسعه نهادهای سیاسی-مدنی کشور را مشخص نموده‌اند که تحلیل آماری نظرات در جداول ذیل ارائه می‌گردد:

جدول شماره ۱. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به سؤال عوامل موثر در توسعه نهادهای سیاسی-مدنی

سؤالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
همکاری و مساعدت دستگاه‌های متولی در شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های غیردولتی	فراوانی درصد فراوانی	۲۰ ۲۰%	۳۰ ۳۰%	۲۰ ۲۰%	۲۰ ۲۰%	۱۰ ۱۰%
درصد فراوانی تجمعی		۱۰۰%	۸۰%	۵۰%	۳۰%	۱۰%
همکاری و تعامل دستگاه‌های نظارتی در خصوص گزارش‌های واصله از احزاب و تشکل‌های غیردولتی	فراوانی درصد فراوانی	۱۰ ۱۰%	۲۰ ۲۰%	۴۰ ۴۰%	۲۰ ۲۰%	۱۰ ۱۰%
درصد فراوانی تجمعی		۱۰۰%	۹۰%	۷۰%	۳۰%	۱۰%
تأثیر مستقیم عدم وابستگی به بخش دولتی در استقلال عملکردی احزاب و نهادهای مدنی	فراوانی درصد فراوانی	۳۰ ۳۰%	۳۰ ۳۰%	۲۰ ۲۰%	۲۰ ۲۰%	۰ ۰%
درصد فراوانی تجمعی		۱۰۰%	۷۰%	۴۰%	۲۰%	۰%
نقش آزادی، اقتدار و نهادمندی نهادهای سیاسی-مدنی کشور در توسعه سیاسی	فراوانی درصد فراوانی	۳۰ ۳۰%	۳۰ ۳۰%	۴۰ ۴۰%	۲۰ ۲۰%	۱۰ ۱۰%
درصد فراوانی تجمعی		۱۰۰%	۷۰%	۴۰%	۲۰%	۰%
تأثیر و نقش دگرگونی‌های جمعیتی و رشد و گسترش	فراوانی	۲۰	۵۰	۳۰	۰	۰

جمعیت جوان ایران	درصد فراوانی	۲۰٪	۵۰٪	۳۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۸۰٪	۳۰٪	۰
تأثیر سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران	فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۴۰٪	۶۰٪	۲۰٪	۰
تأثیر شکوفا شدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت)	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۱۰٪	۰
نقش و اثر شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید	فراوانی	۲۰	۳۰	۳۰	۲۰
	درصد فراوانی	۲۰٪	۳۰٪	۳۰٪	۲۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۸۰٪	۵۰٪	۲۰٪
رقابت سازنده و سالم نهادها با یکدیگر	فراوانی	۳۰	۴۰	۱۰	۱۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۲۰٪
توجه به امر آموزش به‌منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۵۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰
شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها	فراوانی	۲۰	۳۰	۴۰	۱۰
	درصد فراوانی	۲۰٪	۳۰٪	۴۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۸۰٪	۵۰٪	۱۰٪

از نظر متخصصان عوامل زیر در توسعه نهادهای سیاسی - مدنی مؤثر هستند:

- (۱) توجه به امر آموزش به‌منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه؛
- (۲) شکوفا شدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت)؛
- (۳) بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران؛
- (۴) تلاش نهادها برای رقابت با نهادهای دیگر نه حذف آن‌ها؛
- (۵) عدم وابستگی احزاب و نهادهای مدنی به بخش دولتی در استقلال عملکردی آن‌ها تأثیر مستقیمی دارد؛
- (۶) آزادی، اقتدار و نهادمندی از وجوه مثبت نهادهای سیاسی - مدنی کشور و از ارکان اصلی توسعه سیاسی می‌باشد؛
- (۷) شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها؛
- (۸) دگرگونی‌های جمعیتی در ایران رشد و گسترش جمعیت جوان در ایران؛
- (۹) شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید؛
- (۱۰) دستگاه‌های متولی همکاری و مساعدت لازم در خصوص شکل‌گیری احزاب و تشکل‌های غیردولتی را به عمل می‌آورند؛
- (۱۱) دستگاه‌های نظارتی در خصوص گزارش‌های واصله از احزاب و تشکل‌های غیردولتی همکاری و تعامل لازم را دارند.

جدول شماره ۲. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به سؤال توسعه نهادهای سیاسی - مدنی چگونه موجب توسعه

سیاسی کشور می‌شود؟

سؤالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً مخالفم	مخالفم	کاملاً مخالفم
تأثیر تکرر و رقابت احزاب و نهادهای	فراوانی	۳۰	۴۰	۱۰	۱۰	۱۰

سیاسی مدنی بر توسعه سیاسی کشور	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۲۰٪
نقش آزادی، اقتدار و نهادمندی نهادهای سیاسی - مدنی کشور در توسعه سیاسی	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰
	درصد فراوانی	۱۰۰٪	۶۰٪	۱۰٪	۰
	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۵۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰
	فراوانی	۴۰	۳۰	۱۰	۱۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۳۰٪	۱۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۳۰٪	۲۰٪
	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۱۰٪	۰
	فراوانی	۴۰	۴۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۲۰٪	۱۰٪
	فراوانی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۴۰٪	۶۰٪	۳۰٪	۱۰٪
	فراوانی	۵۰	۴۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۵۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰
	فراوانی	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۴۰٪	۲۰٪
	فراوانی	۴۰	۳۰	۲۰	۱۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۳۰٪	۱۰٪
	فراوانی	۳۰	۵۰	۲۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۵۰٪	۲۰٪	۰
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۲۰٪	۰

از نظر متخصصان و کارشناسان رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات و همچنین فعالیت مثبت مطبوعات بر توسعه سیاسی کشور بیشتر از سایر عوامل تأثیرگذار هستند. برای دستیابی به توسعه سیاسی استفاده از وسایل ارتباط جمعی شرط لازم است. گسترش سوادآموزی، آموزش و پرورش و رسانه‌ها مستقیماً با سیاسی شدن هویت و رشد تفکر ناسیونالیستی ارتباط داشته است یکی از عوامل مهم سیاسی شدن مردم، گسترش وسایل ارتباط جمعی بوده است. از رسانه‌های گروهی را می‌توان با نام شریان حیات اجتماعی یاد کرد. کارکرد رسانه‌ها در انعکاس درست و به موقع اخبار و اطلاعات مستقیماً بر مشارکت سیاسی مردم در جوامع دموکراتیک اثر گذاشته و به نوعی از طریق توجه به حل مشکلات مطروحه در افزایش یا کاهش مشروعیت سیاسی هیئت حاکمه نقش آفرینی می‌نمایند. غیر از مسئله رسانه‌ها کارشناسان به موارد دیگری در جهت عوامل موثر بر توسعه سیاسی کشور توجه دارند. این موارد عبارت‌اند از: ضرورت پیوستن به ساختار جهانی؛ ایفای نقش مهم سازمان‌ها و نهادهای مدنی در سطح جهان؛ نقش تحول‌گفتمان سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی؛ میزان مشارکت مردم در انتخابات؛ مدنی شدن روابط قدرت میان دولت‌ها؛ تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی؛ شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی.

جدول شماره ۳. میزان فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌دهندگان به سؤال موانع توسعه نهادهای سیاسی-مدنی در ایران

سؤالات	آمار توصیفی	کاملاً موافقم	موافقم	حدوداً موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
هزینه بالای اداره نهادهای سیاسی - مدنی و نبود دانش سیاسی در کشور از عوامل کم‌دوام بودن این نهادها می‌باشد.	فراوانی	۳۰	۴۰	۲۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۱۰٪	۰٪
دخالت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیت نهادهای غیردولتی	فراوانی	۴۰	۵۰	۱۰	۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۱۰٪	۰٪
سوءاستفاده از نیاز اقتصادی نهادها و وابسته ساختن آن‌ها به خود از نظر اقتصادی	فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۲۰٪	۰٪	۰٪
استفاده ابزاری از نهادها برای توجیه سیاسی و ایدئولوژیک اقدامات خود	فراوانی	۴۰	۴۰	۲۰	۰	۰
	درصد فراوانی	۴۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۶۰٪	۲۰٪	۰٪	۰٪
تبدیل نهادهای غیردولتی به پیمانکاران دولتی	فراوانی	۳۰	۴۰	۳۰	۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۳۰٪	۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۰٪	۰٪
عدم اجماع رهبران نهادهای مدنی در خصوص مفاهیم بنیادین و محوری	فراوانی	۲۰	۵۰	۳۰	۰	۰
	درصد فراوانی	۲۰٪	۵۰٪	۳۰٪	۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۸۰٪	۳۰٪	۰٪	۰٪
سیال بودن موضع سیاسی ایرانیان	فراوانی	۲۰	۳۰	۴۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۲۰٪	۳۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۸۰٪	۵۰٪	۱۰٪	۰٪
غالب بودن وجه ارزشی و احساسی بر وجه عقلانی فرهنگ سیاسی موجود در ایران	فراوانی	۳۰	۴۰	۲۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۱۰٪	۰٪
نقش پررنگ‌تر افراد و گروه‌های سنتی نظیر رهبران مذهبی و محلی	فراوانی	۲۰	۴۰	۲۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۳۰٪	۱۰٪	۰٪
حضور فرهنگ سیاسی غیر مدنی	فراوانی	۲۰	۴۰	۳۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۲۰٪	۴۰٪	۳۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۸۰٪	۴۰٪	۱۰٪	۰٪
وابستگی برخی از نهادها به قدرت‌های خارجی	فراوانی	۱۰	۲۰	۳۰	۳۰	۱۰
	درصد فراوانی	۱۰٪	۲۰٪	۳۰٪	۳۰٪	۱۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۹۰٪	۷۰٪	۴۰٪	۱۰٪
بسته نگه داشتن فضای سیاسی	فراوانی	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰	۰
	درصد فراوانی	۳۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪	۰٪
	درصد فراوانی تجمعی	۱۰۰٪	۷۰٪	۴۰٪	۲۰٪	۰٪

در این میان عواملی هم هستند که مانع توسعه نهادهای سیاسی-مدنی در کشور می‌شوند از نظر کارشناسان و متخصصان این عوامل به ترتیب عبارت‌اند از:

- ۱) دخالت مستقیم و غیرمستقیم در فعالیتهای نهادهای غیردولتی؛
- ۲) سوءاستفاده از نیاز اقتصادی نهادها و وابسته ساختن آنها به خود از نظر اقتصادی؛
- ۳) استفاده ابزاری از نهادها برای توجیه سیاسی و ایدئولوژیک اقدامات خود؛
- ۴) تبدیل نهادهای غیردولتی به پیمانکاران دولتی؛
- ۵) هزینه بالای اداره نهادهای سیاسی - مدنی و نبود دانش سیاسی در کشور از عوامل کم‌دوام بودن این نهادها می‌باشد.
- ۶) غالب بودن وجه ارزشی و احساسی بر وجه عقلانی فرهنگ سیاسی موجود در ایران؛
- ۷) نقش پررنگ‌تر افراد و گروه‌های سنتی نظیر رهبران مذهبی و محلی؛
- ۸) بسته نگه‌داشتن فضای سیاسی؛
- ۹) حضور فرهنگ سیاسی غیر مدنی؛
- ۱۰) سیال بودن موضع سیاسی ایرانیان؛
- ۱۱) عدم اجماع رهبران نهادهای مدنی در خصوص مفاهیم بنیادین و محوری؛
- ۱۲) وابستگی برخی از نهادها به قدرت‌های خارجی.

نتیجه‌گیری

توسعه سیاسی مفهومی پرمجدا له در عرصه نظری و شاید دور از عمل اجتماعی است. پشت سر گذاردن در واژه‌های توسعه سیاسی و برپایی جامعه توسعه‌یافته سیاسی در هر کشوری، مستلزم عبور و گاهی پرمخاطره از یک دوران گذار سیاسی است که اگر بیش از حد طولانی شود، احتمال بازگشت به عقب افزون‌تر می‌شود. دستیابی به توسعه سیاسی؛ یعنی فرایندی که در جریان آن نظام‌های ساده اقتدارگرای سیاسی جای خود را به نظام‌های مبتنی بر حق رأی همگانی، احزاب سیاسی، و بوروکراسی مدنی می‌دهند، نیازمند آگاهی و حرکت عمومی شهروندان از یک‌سو و پذیرش اراده حاکمان از سوی دیگر است. در فرایند تحقق توسعه سیاسی عوامل گوناگونی ایفای نقش می‌کنند که در این میان وجود نهادهایی که به امر توسعه سیاسی یاری می‌رسانند را می‌توان به‌عنوان شرط لازم توسعه سیاسی برشمرد. این نهادها که به نهادهای سیاسی - مدنی معروف هستند شامل احزاب، انجمن‌های سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت سیاسی و مطبوعات می‌شوند. نظام سیاسی که ظرفیت و توانایی حل و فصل اختلافات و تضادهای فردی و اجتماعی، پذیرش مشارکت‌های سیاسی شهروندان، آزادی و تغییرات بنیادین در یک جامعه را داشته، به توسعه سیاسی رسیده است. از طرفی می‌توان توسعه سیاسی را با رشد و شکوفایی دموکراسی مترادف دانست. برای رسیدن به یک جامعه توسعه‌یافته سیاسی باید هم دولت توسعه‌گرا و هم جامعه مدنی توسعه‌گرا وجود داشته باشد. نگاهی کلی به سیر توسعه سیاسی در ایران خصوصاً پس از انقلاب به‌روشنی بیانگر این مطلب است که کشور در طول ۴ دهه گذشته روند رو به رشدی را در توسعه سیاسی تجربه نکرده است و همه دولت‌های روی کار آمده پس از انقلاب سیاست‌های خاص خود را در زمینه توسعه سیاسی پی گرفته‌اند. این بدان معنی است که توسعه سیاسی در کشور یک‌روند ثابت و الگوی کارآمد و واحدی را در طی این سال‌ها ادامه نداده است و بر اساس گرایش‌ها دولت‌های منتخب در هر زمان، قبض و بسط این واژه شکل گرفته است و بیشتر از آنکه یک سیر خطی و مداوم وجود داشته باشد یک‌روند بالا و پائین ایجاد گردیده است.

نتیجه‌گیری مباحث و یافته‌های تحقیق پس از استخراج نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت، از بین پرسشنامه‌های مورد استفاده صورت گرفته است و در نهایت پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، استراتژی و نتایج به‌صورت ذیل استخراج گردید: تعیین نوع استراتژی:

از بین پرسشنامه‌های مورداستفاده، نقاط قوت، ضعف، تهدید و فرصت تعیین و درنهایت پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، استراتژی و نتایج به صورت ذیل استخراج گردید:

جدول شماره ۴. شاخص‌های تدوین استراتژی

زیر عوامل قوت	زیر عوامل فرصت
S1	O1
دستگاه‌های نظارتی در خصوص گزارش‌های واصله از احزاب و تشکل‌های غیردولتی همکاری و تعامل لازم را دارند.	تغییر در رابطه دولت - ملت و پاسخگویی به شهروندان
S2	O2
عدم وابستگی احزاب و نهادهای مدنی به بخش دولتی	شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها
S3	O3
آزادی، اقتدار و نهادمندی نهادهای سیاسی-مدنی	برقراری نظام شایسته‌سالاری در انتخابات‌ها و انتصاب‌ها؛
S4	O4
فعالیت مثبت مطبوعات در خصوص توسعه نهادهای سیاسی - مدنی	بهبود فرهنگ عمومی و تقویت نظارت مردمی
S5	O5
میزان بالای مشارکت مردم در انتخابات	شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید
S6	O6
بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران	شکوفای شدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت)
S7	O7
توجه به امر آموزش به منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه.	بین‌المللی شدن حقوق شهروندی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشد.
S8	O8
تلاش نهادها برای رقابت با نهادهای دیگر نه حذف آن‌ها.	ضرورت پیوستن به ساختار جهانی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشد.
S9	O9
دگرگونی‌های جمعیتی در ایران رشد و گسترش جمعیت جوان در ایران	شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشد.
S10	O10
رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشد.	مدنی شدن روابط قدرت میان دولت‌ها بر توسعه سیاسی کشور تأثیرگذار می‌باشد.

از تحلیل پرسشنامه‌های توزیع شده در جداول ۳ الی ۱ مشخص می‌باشد، باوجود تمامی مشکلات و کاستی‌های موجود در مسیر توسعه نهادهای سیاسی، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه نهادهای سیاسی بر توسعه سیاسی کشور تأثیر مستقیم دارد به عبارت دیگر عملکرد و تأثیرگذاری نهادهای سیاسی به قدری حائز اهمیت است که می‌تواند منجر به فرصت‌های ارزنده‌ای برای توسعه سیاسی کشور شود.

تعیین راهبرد

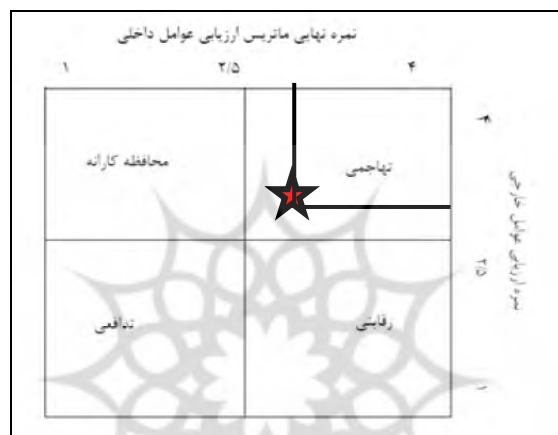
پس از تجزیه و تحلیل ماتریس عوامل داخلی و خارجی، امتیاز عوامل داخلی " نقاط قوت S و ضعف W " برابر است با ۲/۸ و امتیاز عوامل خارجی " نقاط فرصت O و تهدید T " برابر با ۲/۶ تعیین گردید.

جدول شماره ۵. شاخص‌های راهبردی

اهمیت دادن به گزارش‌های واصله از احزاب و NGO ها، باعث تقویت نظارت مردمی و تغییر رابطه دولت - ملت، شکل‌گیری دولت حداقلی و درنهایت پاسخگویی به شهروندان منجر خواهد شد.	S1 O1 O2 O4	۱
عدم وابستگی، اقتدار، نهادمندی و آزادی نهادهای سیاسی می‌تواند منجر به شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید، شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی و درنهایت مدنی شدن روابط قدرت میان دولت‌های خواهد شد.	S2 S3 O5 O9 O10	۲

۳	S4 S10 O6	فعالیت مثبت مطبوعات در خصوص توسعه نهادهای سیاسی - مدنی و رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات می‌تواند منجر به شکوفا شدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت) شود.
۴	S5 S6 O7	میزان بالای مشارکت مردم در انتخابات و بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران می‌تواند منجر به بین‌المللی شدن حقوق شهروندی شود.
۵	S7 S9 O3	توجه به امر آموزش به‌منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه و دگرگونی‌های جمعیتی در ایران رشد و گسترش جمعیت جوان در ایران می‌تواند منجر به برقراری نظام شایسته‌سالاری در انتخاب‌ها و انتصاب‌ها گردد.
۶	S8 S11 O8	تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی و تلاش نهادها برای رقابت با نهادهای دیگر نه حذف آن‌ها می‌تواند منجر به پیوستن ساختار جهانی گردد.

با استفاده از شکل زیر مشخص می‌گردد که نوع استراتژی تهاجمی یا SO می‌باشد. در نتیجه با توجه به نوع استراتژی باید به‌گونه‌ای عمل شود تا حداکثر استفاده از مزیت‌های نهفته شده در فرصت‌ها برای تقویت قوت‌ها صورت پذیرد.



شکل شماره ۱. ماتریس تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی

در چارچوب مدل SWOT عوامل قوت موجود " S " و فرصت‌های آتی " O " مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر این اساس، استراتژی تهاجمی " SO " به‌عنوان راهبرد اصلی و نهایی تعیین گردید. در بین عوامل قوت " S " بالاترین امتیاز به میزان فعالیت مطبوعات و رشد و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات، توجه به امر آموزش به‌منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه مورد توجه مخاطبین قرار گرفت. و در بین عوامل فرصت " O " نیز شکوفا شدن فضای عمومی در جامعه (افزایش رسانه‌ها، وجود رسانه‌های فرامرزی و بین‌المللی، اینترنت)، شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید، شکل‌گیری استراتژی دولت حداقلی و جامعه مدنی در سایر کشورها و ضرورت پیوستن به ساختار جهانی مورد توجه قرار گرفت.

در نهایت از بین راهبردهای استخراج‌شده سه مورد ذیل دارای بالاترین اهمیت می‌باشند:

(۱) میزان بالای مشارکت مردم در انتخابات و بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران منجر به بین‌المللی شدن حقوق شهروندی خواهد گردید.

(۲) توجه به امر آموزش به‌منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه و دگرگونی‌های جمعیتی در ایران بخصوص رشد و گسترش جمعیت جوان موجبات برقراری نظام شایسته‌سالاری در انتخاب‌ها و انتصاب‌ها را فراهم می‌نماید.

(۳) تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی و تلاش نهادها برای رقابت با نهادهای دیگر نه حذف آن‌ها می‌تواند

منجر به پیوستن ساختار جهانی گردد.

- پیشنهادها:

- پس از تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش راهکارهایی به منظور بهبود روند توسعه سیاسی در کشور ارائه می‌گردد:
- ❖ با توجه به آزادی، اقتدار و نهادمندی نهادهای سیاسی - مدنی و عدم وابستگی احزاب و نهادهای مدنی به بخش دولتی، می‌توان از بسته نگه داشتن فضای سیاسی یا وابستگی برخی از نهادها به قدرت‌های خارجی جلوگیری کرد.
 - ❖ با در نظر گرفتن سطح سواد و تحصیلات در جامعه ایران و توجه به امر آموزش به منظور مقابله با موانع سنتی و فرهنگی موجود در جامعه می‌توان از تأثیرگذاری رهبران محلی، مذهبی و غالب شدن تأثیرگذاری وجه ارزشی و احساسی بر عقلانیت فرهنگ سیاسی جلوگیری کرد.
 - ❖ فعالیت مثبت مطبوعات در خصوص توسعه نهادهای سیاسی - مدنی و گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه وسیع ارتباطات بر توسعه سیاسی کشور، از سیال بودن موضع سیاسی جامعه جلوگیری می‌نماید.
 - ❖ دگرگونی‌های جمعیتی در ایران به خصوص رشد و گسترش جمعیت جوان، تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی و میزان بالای مشارکت مردم در انتخابات می‌تواند به حضور فرهنگ سیاسی غیر مدنی خاتمه دهد.
 - ❖ تکثر و رقابت احزاب و نهادهای سیاسی مدنی و ایجاد فضای رقابتی بین احزاب، از تأثیرگذاری افراد و گروه‌های سنتی نظیر رهبران مذهبی و محلی جلوگیری می‌نماید.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) اتحادیه (نظام‌مافی)، منصوره. (۱۳۸۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت. چاپ اول، تهران: کتاب سیامک.
- ۲) افتخاری، اصغر و تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۱). درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت سیاسی. چاپ اول، تهران: فرهنگ گفتمان - ریاست جمهوری، مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- ۳) ایوبی، حجت اله. (۱۳۷۹). بیداری و پایایی احزاب سیاسی در غرب. نوبت چاپ ۱، تهران: سروش.
- ۴) بدیع، برتران. (۱۳۸۷). توسعه سیاسی. ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.
- ۵) بشیریه، حسین (۱۳۸۱). دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران: دوره جمهوری اسلامی ایران. تهران: موسسه نگاه معاصر.
- ۶) تبریز نیا، حسین (۱۳۷۷). بررسی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران. مشهد: نشر سیاوش.
- ۷) دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۹۴). الگوی کلاسیک توسعه سیاسی نگاهی به تجربه اروپای غربی. فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، ۲۲، ۳۸۱-۳۷۰.
- ۸) زیباکلام، صادق. (۱۳۹۳). احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۲۹، ۲۸-۷.
- ۹) عالم، عبدالرحمن. (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- ۱۰) قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۸). سیاست‌های مقایسه‌ای. تهران: نشر سمت.
- ۱۱) کرمانی، ناظم الاسلام. (۱۳۷۱). تاریخ بیداری ایرانیان. چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲) متانی، مهرداد (۱۳۹۵). بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه سیاسی جامعه. فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۱۰ (۴)، ۲۲۸-۲۰۹.

- ۱۳) مقدم قلی‌پور، فرید. (۱۳۹۶). مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۳، ۱۲۶-۱۳۹.
- ۱۴) میسای، قاسم. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷ (۸۲)، ۱۵۵-۱۸۴.
- ۱۵) میناوند، محمد قلی. (۱۳۸۵). اینترنت و توسعه سیاسی؛ حوزه عمومی در فضای سایبرنتیک. فصلنامه پژوه علوم سیاسی، ۲، ۱۱۹-۱۴۶.
- ۱۶) نقیب زاده. احمد. (۱۳۷۸). حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع. تهران: انتشارات دادگستر.
- ۱۷) نصوحیان، محمدمهدی. (۱۳۸۷). نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی. فصلنامه راهبرد یاس، ۱۴، ۱۶۵-۱۸۰.
- ۱۸) نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱). احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی. چاپ اول، تهران: نشر گسترده
- ۱۹) هانتینگتون. ساموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، تهران: نشر علم.
- 20) Alam, A. (1994). Foundations of Political Science. Tehran: Ney Publishing. [in Persian].
- 21) Ayoubi, H. (2000). Awakening and reliability of political parties in the West. 1st edition, Tehran: Soroush. [in Persian].
- 22) Badie, B. (2008). political developement. Translation: Ahmad Naghibzadeh nashr, Tehran: ghomes. [in Persian].
- 23) Bashireh, h. (2002). Introduction to Sociology of Iran: The Period of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Negah Moaser. [in Persian].
- 24) Delavari, A. (2009). The Classical Model Of Political Development The View Of The Western European Experience. Journal Of Social Planning And Development, 22, 1-38. [in Persian].
- 25) Eftekhari, A., & Tajik, M. R. (2002). An Introduction to Red Lines in Political Competition. First Edition, Publishers, Tehran: Farhang-e Gofman-Presidential, Center for Strategic Studies. [in Persian].
- 26) Etehadieh, M. (2002). Emergence and Transformation of Constitutional Political Parties", First Edition, Tehran: Siamak Book. [in Persian].
- 27) Farazmand, A. (2015). Governance in the Age of Globalization: Challenges and Opportunities for South and Southeast Asia, School of Public Administration, Florida Atlantic University, Boca Rato, USA.
- 28) Ghavam. A. (2009). Comparative policies. Tehran: Nashr Samt. [in Persian].
- 29) Huntington, S. (1991). Political order in societies is undergoing change. Tehran: nashr elm. [in Persian].
- 30) Kermani, N. (1992). History of the Iranian Awakening. fourth edition, Tehran: Amirkabir Publications. [in Persian].
- 31) Matani, M. (2016). Investigating the role of mass media in the political development of society. Social Sciences Quarterly of Islamic Azad University, Shushtar Branch. 10 (4), 209-228. [in Persian].
- 32) Minavand, M. G. (2006). Internet and political development; Public domain in cybernetics. Journal of Political Science, 2, 119-146. [in Persian].
- 33) Misaii, Gh. (2019). A Study of the Position of Political Development in the Development Plans of the Islamic Republic of Iran. Journal of Strategic-Political Research, 7(82), 155-184. [in Persian].
- 34) Moghadam, F. (2017). A Comparative Review of Political Development Theories. Journal of New Research Approaches in Management and Accounting, 3, 126-139. [in Persian].
- 35) Naghibzadeh. A. (1999). Political party and its function in societies. Tehran: nashr

- dadgostar. [in Persian].
- 36) Nasohian, M. (2008). The role of mutual trust between the government and the people in the political development process, 14,165-180. [in Persian].
- 37) Nozari, H. A. (2002). Political Parties and Party Systems. First Edition, Tehran: Extensive Publication. [in Persian].
- 38) Tabriznia, H. (1998). Study of the causes of instability of political parties in Iran. Mashhad: Siavash Publishing. [in Persian].
- 39) Zibakalam, s. (2014). Political Parties and their Role in Political Development in Iran: A Case Study of Elections. Journal of Political Science, 29, 7-28. [in Persian].

